

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
Comparative studying of Iranian and Armenian Myths focused on Mitra
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مطالعه تطبیقی اساتیر ایران و ارمنستان با تکیه بر ایزد «مهر»*

علی نیکویی**

پژوهشگر دکتری پژوهش هنر، پژوهشکده نظر

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۳ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۱/۲۶ تاریخ انتشار: ۹۷/۰۳/۳۱

چکیده

ایران و ارمنستان دارای روابط تاریخی، سیاسی و فرهنگی بسیار گسترده در گذر هزاره‌های تاریخی بوده‌اند، ارمنستان از دوران حاکمیت مادها تحت نفوذ شاهنشاهی ایران قرار گرفت؛ و این آغاز اثرگذاری در عرصه سیاست و هم در عرصه فرهنگ و باورهای دینی بود. تأثیر ایرانیان بر ارامنه از لحاظ دینی تا زمان مسیحی شدن ارمنستان در میانه قرن سوم میلادی به دست "گریگوری روشنگر" برقرار بود، با توجه به هم‌نژادی ارامنه و ایرانیان و نزدیکی جغرافیایی دو سرزمین به یکدیگر چنین به نظر می‌آید که این دو قوم در زمینه‌های گوناگون از جمله ادیان و باورها تأثیرات متقابل بر هم داشته‌اند، با این نگاه در پژوهش حاضر به بررسی جایگاه ایزد "مهر" در باورهای کهن ارامنی و ایرانی پرداخته شده و تا تأثیرات تفکر مهرپرستی در ایران را بر گرایش به ایزد مهر در ارمنستان پیش از مسیحیت بررسی می‌کند.

واژگان کلیدی: مهر، میترا، ایران، ارمنستان، باورهای دینی.

فرضیه

بخش اعظمی از اساتیر باستانی ارامنه، پیش از گرویدن به مسیحیت؛ تحت تأثیر باورهای استوره‌ای ایران بوده‌اند؛ یکی از این استوره‌های اثرگذار بر فرهنگ باستانی ارامنی ایزد مهر است.

مقدمه

استوره‌شناسی بخشی از مردم‌شناسی فرهنگی است که به بررسی و فرا یافتن قوانین عمومی قالب‌های رفتاری انسان در همه ابعاد آن می‌پردازد و می‌کوشد توجیهی عمومی از این پدیده اجتماعی - فرهنگی به دست دهد (رضایی، ۱۳۸۳: ۱۵). استوره‌شناسی با بررسی مجموعه‌های اساتیری زنده یا مرده و بازیافتن کیفیات

عمومی و کلی آنها، در خدمت مردم‌شناسی فرهنگی قرار می‌گیرد و می‌تواند به علوم سیاسی (در امر بررسی تاریخی شکل‌گرفتن دولت و عناصر تشکیل‌دهنده آن)، علوم اجتماعی و علوم اقتصادی، تاریخ، جغرافیای تاریخی، باستان‌شناسی، روانشناسی و مطالعات مربوط به دین‌شناسی و تاریخ فلسفه یاری رساند؛ و خود متقابلاً نه تنها بر مدارک اساتیری متکی است، بلکه از پژوهش‌ها و آگاهی‌های مکتسب ما از رشته تاریخ، باستان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی (به ویژه روانکاوی)، زبان‌شناسی، علوم طبیعی، الهیات و فلسفه عمیقاً بهره می‌جوید (وارنر، ۱۳۸۹: ۱۵). استوره مولد اندیشه، تخیل و دانش نخستین اقوام باستانی و بیانگر آرمان‌های بشری است، که در گذر تاریخ حیات تازه و هویت خاص یافته است. حوادثی که در استوره نقل می‌شود، همچون داستان واقعی تلقی شده زیرا به واقعیت‌ها برگشت داده می‌شود و همیشه منطقی را دنبال می‌کند.

**نویسنده مسئول، ۰۹۱۲۳۷۱۷۵۸۲@ali.nikoei1981@gmail.com

در ادبیات دینی ایرانیان جایگاه قرارگیری خورشید و میترا کاملاً مشخص است، اهورامزدا در قلمروی بی پایان، با فاصله از خورشید که به اندازه فاصله خورشید از زمین است فرمانروایی می‌کند، اهریمن در قلمروی تاریکی مطلق است و میترا در حد فاصل میان این دو قرار دارد (همان: ۳۰). در سرود میترای اوستا، چهار اسب سفید، ارابه زرین چرخ او را می‌کشند، و این بدان معنی است که خدا تا هنگامی که در بامدادان تن خود را درخشان و نورانی می‌کند، رویدادهای بسیاری را پدید می‌آورد.

زایش مهر

نیروی باطنی و سحرآمیز، مهر را از درون صخره‌ای به جهان خارج، بیرون افکنده است؛ میترا در این حالت کاملاً عریان است و کلاه فریجی به سر دارد، دستش را بلند کرده و خنجری و مشعلی به آن گرفته است، او زاییده روشنایی است و از دل سنگی زاده شده است. صخره‌ای آبستن شد و میترا را زایید (رضی، ۱۳۸۱: ۲۹۶). لازم به یادآوری است که تاکنون هیچ مجسمه یا نقش برجسته‌ای از تولد میترا با مشخصات ذکر شده در ایران پیدا نشده^{۱۴} و تنها نقش برجای مانده از مهر همان است که در طاق بستان کرمانشاه در صحنه تاج‌گیری اردشیر از اهورامزدا مشاهده می‌شود که مهر بر گل نیلوفر ایستاده در حالی که برسمی^{۱۵} در دست دارد و تاجی از شعاع‌های نور بر سر گذاشته است. عده‌ای بر این باورند که مادر میترا، ناهید در آب از تخمه زردشت بارور شده است. برخی گفته‌اند که این نطفه درون نیلوفری در آب دریاچه هامون نگهداری می‌شده است؛ شاید به این جهت است که تصاویر را گاه بر نیلوفر آبی یا لوتوس نشان داده‌اند. نمادهای مهری پیوند خاصی با آب دارند، همانند بارور شدن دوشیزه در آب و بارور شدن صدف و پروراندن مروارید در آب باعث شده است که پیروان میترا تصور کنند که میترا چون مروارید از میان صدف زاییده شده است و یا چون تخمه (فرّ زردشت) در آب نگهداری می‌شد به نظر می‌آید جای نگهداری آن را در گل آبی نیلوفر می‌دانستند و از این رو نیلوفر با دین مهر بستگی نزدیک دارد؛ نیلوفر و صدف دو نماد برجسته آیین میترا است، اما براساس نقش‌ها و تندیس‌های موجود در پرستشگاه‌های مهری بهترین نماد در خور نگهداری و پروراندن تخمه در آب، دلفین بود؛ دلفین فرزند خود را مانند پستانداران با دادن شیر در آب بار می‌آورد، پس می‌تواند از میترا در آب نگهداری کند؛ گروهی نیز بر این باور بودند که محل زایش میترا در آب نبوده بلکه در آتش بوده است. این امر با مفاهیمی که ایرانیان از آتش به عنوان شاهد یا گواه می‌گرفته مطابقت دارد زیرا میترا خدای عدالت و داوری است، پس با آتش ارتباط نزدیکی دارد^{۱۶} (رستم‌پور، ۱۳۸۲: ۱۰۰). داستان زایش و حیات مهر و اناهیتا به روایت مختلف گفته شده اما آنچه مسلم است پیوستگی این دو ایزد با آب و عناصر مرتبط با آب است که بسیار در هم تنیده و تفکیک آن دشوار است^{۱۷}. جدا از چگونگی زایش مهر، زمان زاییده شدن مهر نیز درخور توجه است، زیرا تولد مهر یک حادثه نجومی است که یک شب در سال

استوره گاهی به ظاهر حوادث تاریخی را روایت می‌کند، اما آنچه در این روایت‌ها مهم است صحت تاریخی آنها نبوده! بلکه مفهوم نهفته در شرح داستان برای معتقدان را در بر دارد، مفاهیمی چون دیدگاه‌های آدمی نسبت به خویشتن، جهان و آفریدگار. استوره واکنشی از ناتوانی انسان در مقابله با درماندگی‌ها و ضعف او در برآوردن آرزوها و ترس او از حوادث غیر مترقبه است؛ که قدرت تخیل نهایت فعالیت خود را در این زمینه انجام می‌دهد. خدایان به این ترتیب خلق می‌شوند، سپس به شهریاران و پهلوانان تبدیل می‌گردند، و گاهی به عکس، از شخصیتی تاریخی یا قهرمانی معمولی، موجودی استوره‌ای شکل می‌گیرد، به این صورت که همه ویژگی‌های یک موجود خارق‌العاده را به او نسبت می‌دهند و به تدریج با این ویژگی‌ها قهرمان از صورت موجود بشری و عادی خارج می‌شود (آموزگار، ۱۳۷۴: ۵-۴). هدف از مطالعه استوره شناخت و تفسیر دانش نخستین بشر و چگونگی اندیشیدن او به پدیده‌ها و احوال عالم است؛ استوره رفتار ذهنی بشر نخستین به منظور دستیابی به حقیقت و گنه هستی است؛ زین روست که می‌توان گفت استوره با فلسفه و تفکر پیوند یافته و ماندگار شده، راز ماندگاری استوره همین است که در قلمرو فکر و ذهن و زبان انسان‌ها رسوخ کرده و حیات تازه یافته است. ژرژ دومزیل^{۱۸} استوره‌شناس برجسته فرانسوی نظریه «ایدئولوژی سه کنش (کارکرد)» را اریه داد. با این بررسی‌ها، ایزدان و پهلوانان و دیگر مسایل و آیین‌های وابسته به آنها دیگر عناصری منفک نبودند، بلکه بخشی از ساختاری متشکل به شمار می‌آمدند که هریک در آن کارکرد خاص خود را داشت. او با همین شیوه توانست فرهنگ کهن و دین روم را از نو کاملاً بازسازی کند (ستاری، ۱۳۹۲: ۱۰-۳۵).^{۱۹} "مهر"^{۲۰} از واژه "میتره"^{۲۱} یا "میشره"^{۲۲} از ریشه "هند و ایرانی"^{۲۳} است. در اوستا "میشره"، پهلوی (میترا)، میترا^{۲۴} یکی از ایزدان ایران باستان شناخته می‌شود^{۲۵}، و امروزه در پارسی به نام مهر و میترا از آن نام برده می‌شود. دهخدا برای واژه مهر، معانی زیر را در کتابش آورده است: عشق، محبت، حب، دوستی، داد، عهد، پیمان^{۲۶} و در جای دیگر معانی دوستی، محبت، رب‌النوع آریایی نیز برای معنی مهر به کار رفته است؛ در فارسی پسین واژه مهر شکل متأخر واژه میترا است که به معنی خورشید است^{۲۷}. یک نکته ظریف در مورد خورشید و مهر شایان توجه است که نزد ایرانیان باستان خورشید مقام والایی داشته اما ایزد آن هور^{۲۸}، مقام چندان مهمی نداشته است؛ بنابراین ستایش آفتاب درحقیقت ستایش مهر یا میشره بوده است (کریستین سن، ۱۳۷۸: ۱۰۲)؛ آن چیز که در میان ایرانیان باستان به خورشید درجه بالای تقدس می‌داد صرفاً خورشید بودنش نبود بلکه انوار خورشید بود و مهر ایزد نور است، بهترین تفسیر از ارتباط خورشید و میترا می‌تواند این باشد که: میترا خود خورشید نیست، بلکه نور و روشنایی است که تاریکی را زایل می‌کند تا زندگی و شادمانی را به زمین هدیه دهد و با گرما و انوارش طبیعت را بارور سازد، دیوهایی که در تاریکی به سر می‌برند و سبب انتشار گناه و نافرمانی و ناپاکی و خشکی و بی‌برکتی زمین می‌شوند را دور می‌کند (کومن، ۱۳۸۳: ۲۵).

آن‌ها از زر و سیم است، به پیش می‌راند؛ میترا در کیش زردشت ایزدی سترگ و هزار چهره است که حتی تا به امروز عمیق‌ترین احترامات نسبت به او ادا می‌شود، به او سوگند می‌خورند، امور حقوقی در ظل حمایت او برگزار می‌شد و به هنگام رسیدگی به دعاوی قضایی و مجامع همگانی، او را فراخوانی می‌کردند (بوس، ۱۳۷۵: ۵۸۲). او از نظم و راستی محافظت می‌کند، به داوری روان پس از مرگ می‌پردازد، جنگجویی توانا و نیرومند با نیزه‌ای سیمین، زرهی زرین و شانه‌های ستبری است که شر خدایان شیر را در هم می‌کوبد (Gershevich, 1959:121). براساس یشت دهم که به میترا اختصاص داده شده، او پروردگار چراگاه‌های وسیع، ایزد پیمان‌ها، ایزد جنگ‌آوران و ایزد طلوع است که از فراز کوه البرز (هرا) سر بر می‌آورد، سبب بارش باران و نزول وفور نعمت می‌شود، خبرچینان بسیاری در خدمت دارد، با ارباب‌های که «اشی^{۲۱}» آن را هدایت می‌کند، و در پیشاپیشش «ورثرغنه^{۲۲}»؛ (ایزد پیروزی) در شکل گراز می‌راند. او دادگستری فریب‌ناپذیر است، یاری‌بخش کسانی است که او را فرا می‌خوانند و شفا دهنده‌ای است که «هومه^{۲۳}» را در کوه «هرا» پرستش می‌کند؛ او مسلح به آذرخش است که حتی «انگره‌مینو^{۲۴}» از آن بیم دارد. در سمت راستش «سرئوشه^{۲۵}» و در سمت چپش «وشنو^{۲۶}» و گرداگردش را آب‌ها، گیاهان و فره‌وشی‌های^{۲۷} درستکاران فرا گرفته‌اند. با اسبان سپید می‌جنگد، در همه جا به کسانی که پیمان‌ها را زیر پا می‌گذارند می‌رسد؛ او را باید پس از سه روز و سه شب تزکیه نفس پرستش کرد (گیمن، ۱۳۸۱: ۵۹). مجموعه اسناد به جای مانده از مهرپرستی ایرانی نشان می‌دهد که این آیین، دینی رازورزانه بوده، مهرپرستی از این نظر با سایر ادیان جهان باستان تفاوت دارد که عضویت در آن ارثی نبوده و همه پیروان آن می‌بایست پس از رسیدن به سن بلوغ به شکل فعال و خودمدار داوطلب ورود به آن شوند. این زاده‌شدن کودکی در یک خانواده به معنی شریک شدن خودکار و پیش‌انگاشته کودک در دین والدین محسوب می‌شده است (Beck, 1996:176-185). رازورز بودن مهرپرستی را از معماری تجمع پیروان این آیین می‌توان دریافت، در روم پرستشگاه‌های میترا، زیر زمین ساخته می‌شد و نور خورشید از راه سوراخی در سقف بر مکانی مقدس در معبد فرو می‌ریخت، مهرپرستان محل اجرای مراسم خود را غار می‌نامیدند و در شرایطی که دسترسی به غاری طبیعی ممکن نبود، اتاقی معمولاً زیرزمینی را با تزئیناتی می‌آراستند تا به غار طبیعی شبیه شود، بر خلاف تمام سنن دینی شناخته شده معبد مهرپرستان از بیرون قابل تشخیص نبود و هیچ معماری چشمگیر و عناصر زیبایی‌شناختی با شکوه در آن به کار نرفته بود (White, 1990:47-59). این ساده بودن و طبیعت‌گرا بودن معابد مهری نشانگر آن است که رازورزی در آن به راستی رعایت می‌شده و احتمالاً بسیاری از مردم همسایه معابد مهری از وجود این مکان‌ها در نزدیکی خود با خبر نبوده‌اند. نماز بردن بر مهر کار هر کسی نبود، و رازها و فنونی سری داشت که هر کسی را بر آن آگاهی نبود، مهر تنها ایزدی است در اوستا که از پذیرفته

رخ می‌دهد و آن شب یلداست که چندین هزاره در ایران سابقه دارد، ۳۰ آذر یا ۲۱ دسامبر کوتاه‌ترین روز و بلندترین شب را در طول سال دارد اما بلافاصله پس از آغاز دی، روزها به تدریج بلندتر و شب‌ها کوتاه‌تر می‌شود، زین رو این شب را شب یلدا به معنی تولد خورشید شکست‌ناپذیر که همان ایزد مهر بود، نامیده‌اند. اگر به معنی یلدا دقت شود ارتباط آن با خورشید و ایزد مهر بهتر نمایان می‌شود؛ در برهان قاطع ذیل واژه یلدا چنین آمده است: "یلدا کلمه‌ای است سریانی به معنای میلاد عربی که شب اول زمستان و شب آخر پاییز است (اول جدی و آخر قوس) و آن در تمام سال درازترین شب‌هاست و یا نزدیک به آن شب، آفتاب به برج جدی تحویل می‌کند و می‌گویند آن شب به غایت شوم و نامبارک است و برخی گفته‌اند شب یلدا یازدهم جدی اس^{۱۸}. "بیرونی می‌نویسد: دی ماه و آن را خورماه نیز می‌گویند، نخستین روز آن، خرم روز (خره‌روز یا روز خورشید) است و این روز و این ماه هر دو به نام خدای بزرگ هر مزد است... (بیرونی، ۱۳۲۱: ۲۵۶) همه این اشاره‌ها و نام‌ها، حاکی از آن است که شب یلدا و روز دیگان، پیوند استواری با مهر دارد که از این روز بر تاریکی چیره می‌شود و رو به افزایش می‌رود. این روز مهر است و نزد ایرانیان بسی گرمی بود و بزرگترین جشن، یعنی جشن تولد مهر به شمار می‌رفت که آغاز سال محسوب می‌شد (رضی، ۱۳۷۱: ۵۴۱). در آیین مهری، مهر پدید آورنده جهان و خداوند جهان است، آیین مهر از دوران فریدون در ایران برجای مانده آیین داد و داری است و که هر اندازه داد نیکوتر باشد دادخواهی و داوری کمتر می‌باید، از گفتار فردوسی به روشنی برمی‌آید که با شیوه مهرپرستی بدی‌ها و گزئی‌هایی که پیش از آن در ایران روا بود از میان رفت. از دیگر ویژگی‌های مهرپرستی شادزیستن و بهره‌وری از جهان است و برای این بهره‌وری شایسته است با راستی و پاکی کوشش شود تا معیشت سالم به دست آید، در گفتار اروپاییان نیز به جای مانده که مهریان برای رسیدن به پایه پیر می‌بایست از هفت (پله و درجه) بگذرند و چنین بود که گذر از این درجات با پذیرفتن سختی‌ها و آزمایش‌های فراوان همراه بوده است و همه رهروان را یاری رسیدن به پایه‌های بالا نبوده است. این هفت مرتبه در فرهنگ ایرانی به گونه هفت‌خوان رستم و در عرفان هفت شهر عشق بوده که عطار نیشابوری از آن سخن می‌گوید (جنیدی، ۱۳۶۲: ۱۳).

مهر در ایران

مهر همراه با خدای دیگری "ورونه"^{۱۹} به معنی (سخن راست) به صورت ترکیب "میتره ورونه"^{۲۰} به یاری خوانده می‌شد (بهار، ۱۳۷۶: ۱۷). مهر چنان مقام والایی نزد ایرانیان باستان داشت که نامش با نام هُرمزد، ایزد بزرگ و آناهیتا یکی برده می‌شد (هینلز، ۱۳۷۵: ۱۱۹). ایزد مهر، ایزدی رهایی‌بخش است که گاهی بر زمین می‌آید تا با کشتن گاو (در آیین مهری) یا با رهبری کردن مردم (در آیین مانوی) نعمت و نجات را ارزانی مردم دارد (بهار، ۱۳۸۱: ۲۲۶). مهر در گردونه خویشت که چهار اسب سفید نامیرا آن را می‌کشند و نعل

انان بر این باور بودند که مهر در پایان جهان از غار خارج شده برای جدا کردن گناهکاران و بی‌گناهان وارد عمل می‌شود، ارمنیان با آرزو و حسرت منتظر خارج شدن مهر از غار بودند تا او آنان را از دست جهان‌گشایان نجات دهد، در حماسه داوید ساسونی مهر بزرگ، گاو نر سیاه را می‌کشد ولی در آن حماسه موضوع کشته‌شدن شیر مهتر جلوه کرده است، مهر بزرگ شیری را که راه‌های ساسون^{۴۲} را بسته بود از پای در می‌آورد و پس از آن ساسون با نعمت‌های فراوان لبریز می‌شود. لقب شیر^{۴۳} یا (شیر مانند یا شیری شکل) که به مهر داده شده، زمانی مصداق پیدا می‌کند که در حکاک‌های غربی تصویر میهر با سر شیر دیده می‌شود. در حماسه داوید ساسونی مهر ارمنیان با کردار خود، هم خویشکاری عهد و پیمان میترا-مهر ایرانی و هم خصوصیات رزمی میترا غربی را حفظ کرده است؛ به مانند شاهان ایران که برای مدتی خود را در غار حبس می‌کردند تا از مهر قدرت مقدس را کسب کنند، مهر ارمنی برای مدتی در غار می‌ماند و از آنجا به دنیای پر از عدالت باز می‌گردد. تمام آنچه گفته شد گواه بر آن است که میهر ارمنیان خصوصیات مهر ایرانی و مهر غربی را در خود یک جا داشته و میان میترائیسم ایرانی و غربی چون حلقه‌ای قرار گرفته بود (هارتونیان، ۲۰۰۱: ۳۸-۴۱). پرستش مهر در گاهنامه قدیم ارمنی نیز رد خود را برجای گذاشته بدین ترتیب که هشتمین روز هر ماه میهر نامیده شده و ماه هفتم در گاهنامه قدیم که با ماه فوریه کنونی همزمان است نیز به نام او مهکان^{۴۴} نامیده شده است، مهیان^{۴۵} که نام عمومی برای مکان‌های مقدس در زبان ارمنی نیز به نام میهر مربوط است (نوری‌زاده، ۱۳۸۴: ۷۸-۷۹). یکی از صخره‌های اهدا شده به مهر در شهر "وان"^{۴۶} به نام (در مهر) معروف است، در ایران نیز به قربانگاه‌ها و معابد اهدا شده به مهر، (در مهر) می‌گویند که در آنجا بنا بر باورهای مردمی، چراغی خاموش نشدنی نگهداری می‌شد، به احتمال قریب به یقین ارمنیان به مانند ایرانیان در این ماه جشن مهکان خود را برگزار می‌کردند، امروزه نیز در روز چهاردهم فوریه^{۴۷} جشن "دیارندارج"^{۴۸} در کلیساها برگزار می‌شود. در حفاری‌های باستان‌شناسی که قبل از فروپاشی شوروی در گارنی ارمنستان انجام شده، پرستشگاه خورشید یا مهر از زیر خاک بیرون آمده است، این پرستشگاه در دوران حکومت تیرداد اول (۸۰-۶۳) ساخته شده بود (Kerovpian, 1973: 122-123). میترا در ارمنستان معابدی بزرگ داشت، در "باگایاریچ"^{۴۹} یک معبد بسیار دیدنی اهدایی به میترا وجود دارد که تا سال ۳۰۰ میلادی همچنان استفاده آیینی در آن می‌شد (Agathangelos, 1976: 790). باگایاریچ، اقتباس از واژه ایرانی، "باگیاوش"^{۵۰} به معنی پرستش خدایان است، این نام نشان می‌دهد که میترا در ارمنستان به نام "بغ"^{۵۱}، خدا به حد کمال پرستش می‌شد، همچنان که "شیز"^{۵۲} در آذربایجان مرکز پرستش او نزد مغ‌های مادی بود؛ گارنی که از آثار باستانی ارمنستان به شمار می‌رود، یکی دیگر از پرستشگاه‌های مهر بوده، که در زبان ارمنی به پرستشگاه، "مهیان"^{۵۳}، اطلاق می‌شده است (Agathangelos, 1976: 194). این خود نشان‌دهنده محبوبیت بسیار زیاد ایزد مهر میان ارمنی‌ها بوده است (نوری‌زاد، ۱۳۷۶: ۲۴۹)؛ (تصاویر ۱ تا ۷).

نشدن نیایش او به خاطر درست اجرا نشدن سخن رفته است، به عبارت دیگر بر خلاف سایر ایزدان که سخت‌گیری زیادی در مورد شیوه اجرای مراسم ندارد و عمل قربانی و هویت قربانی‌گزار را مهم می‌دانند، انگار مهر به شیوه اجرای مراسم نیایش نیز حساس است و کسانی را که درست او را نپرستند مجازات می‌کند. در مهریشت مهر می‌پرستد: کیست مرا به نیکی می‌ستاید؟ کیست که با ستایش بد می‌پندارد که مرا می‌ستاید؟ (مهریشت، کرده ۲۷، بند ۱۰۸) در همین سرود گفته شده: بدا به حال مردی ناپخته و شتابان که زوت^{۴۸} دانش نیاموخته و نادانی از مردم عامی برایش برسم به دست گیرد و بکشد تا مراسم مهر را به جا آورد. چنین کسی اهورامزدا و مهر و سایر همراهان ایزدی‌اش را خوار شمرده است و هیچ‌یک از ایشان را خشنود نخواهد کرد (مهریشت، کرده ۳۲، بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹). گذشته از این سخت‌گیری درباره اجرای دقیق و درست آیین‌ها که نشانگر حضور یک طبقه ممتاز و انحصارجوی کاهنان و پرستاران رازورز است، آیین نیایش مهر در بیشتر جاها با سنت زردشتی سازگار و شبیه به سایر ایزدان است، در سراسر اوستا می‌بینیم ایزد مهر چون اهورامزدا با هوم آمیخته به شیر، با برسم و با زبان خرد و "منتره"^{۴۹} ستوده می‌شود (مهریشت، کرده ۱، بند ۶).

مهر در ارمنستان باستان

میهر^{۳۰} که نام او از مهر ایرانی برگرفته شده مربوط به شکل هند و ایرانی میترا به معنی (دوست، خیرخواه، عهد و پیمان) است. میهر در مجموعه ایزدان ارمنی فرزند آرامزدا^{۳۱} و قدیمی‌ترین ایزد خورشید و نور آسمانی در میان ارمنیان محسوب می‌شود. او را در دوران هلنیستی^{۳۲} با "هیپستوس"^{۳۳} که ایزد آهنگری و آتش بود یکی دانسته‌اند و احتمالاً معبد گارنی^{۳۴} به او اهدا شده بود. بنا بر روایت کتب یونانی در سده پنجم پیش از میلاد برای ایزد خورشید، هلیوس^{۳۵}، ارمنیان اسب قربانی می‌کردند (Russell, 1987: 262). استرابون شرح می‌دهد که در زمان هخامنشیان، ساتراپ^{۳۶} ارمنستان در جشن‌های مربوط به میهر، برای شاهنشاه ایران بیست هزار "نیسایون"^{۳۷} پرورش داده شده می‌فرستادند (ویدن‌گردن، ۱۳۷۷: ۳۲۰). پرستش میترا-میهر از سده سوم پ.م در کشورهای آسیای صغیر از جمله در هایک^{۳۸} کوچک، پس از تسلط روم بر این کشورها گسترش یافت. پرستش میهر در غرب با پرستش آن در ایران به طور محسوسی متفاوت بود، در غرب تکیه بر خصوصیات مهر از نظر نظم خورشیدی، جنگ‌آوری، به وجود آوردن نعمت‌های زمینی پس از کشتن گاو نر و همچنین اعمالی در راستای نجات بشر بوده است و تمام این صفات بنابر آنچه در (داویدی ساسونی)^{۳۹} آمده، در پرستش مهر نزد ارمنیان نیز دیده می‌شود. بنابر روایات غربی، میترا از صخره متولد می‌شده و ایزد صخره‌زا نامیده می‌شود و چوپانان شاهد آن تولد بوده‌اند. در حماسه ارمنی با وجود اینکه چیزی در مورد صخره‌زادی او نیامده ولی حبس شدن میهر در صخره آگراواکار^{۴۰} که (در مهر)^{۴۱} نامیده می‌شده موجود است. به عقیده ایشان، سالی یک بار در غار مهر باز می‌شود و چوپان یا گلهدار وارد آنجا شده، مهر را می‌بیند؛



تصویر ۲. صومعه گغاراد (Monastery Geghard) در ارمنستان. مأخذ :
www.kojaro.com – 2018/06/05



تصویر ۱. صومعه تاتو (Monastery Tatev) در ارمنستان که ابتدا از معابد مهری بوده و با مسیحی شدن ارمنیان مبدل به کلیسا شده است؛ تعداد بسیاری از این معابد مهری امروز در جای جای ارمنستان موجود است که تبدیل به صومعه شده یا متروک باقی مانده‌اند. مأخذ :
www.kojaro.com 2018/06/05



تصویر ۴. صومعه سواناوانک (Sevanakvank monastery) در ارمنستان. مأخذ :
www.kojaro.com 2018/06/05



تصویر ۳. فضای داخلی صومعه سرا ساناهین (complex monastery Sanahin) در ارمنستان که مشابه مهرابه‌های آیین مهرپرستی است. مأخذ :
com 2018/06/05.kojaro.www



تصویر ۶. مهرکده محمدآباد برازجان در ایران. مأخذ :
https://blog.safarme.com. March.2018



تصویر ۵. تخت سلیمان نیایشگاه مهری در ایران در زمان اشکانی دو عنصر مقدس کوه و چشمه مشاهده می‌شود مأخذ :
karnaval.ir. March.2018

نخستین میترا- ورونا (Mitra-Varuna)؛ در کنش دوم ایندرا (Indra)؛ و در کنش سوم ناستیه (Nasātya) هستند. ایزدان کنش نخست، با کارکردی مقدس، نظم‌بخش و فرمانروا، به طور معمول دارای دو جنبه‌اند: ورونا ویژگی فرمانروایی جادویی و قهار را و میترا ویژگی انسانی و نظم‌بخش و صلح‌خواه را داراست. در کنش دوم ایزد جنگاور ایندرا متصف به جنگجویی و توان جسمی است که در جامعه کهن آریایی سبب شکل‌گیری انجمن مردان جوان و اصول و آیین‌های وابسته به آن شده و به نظر دومزیل حتی تا امروز نیز باقی مانده است. این کنش تحت نفوذ کنش نخست قرار می‌گیرد. ایزدان کنش سوم کارکردی تولیدی و اقتصادی با جنبه‌ی سلامتی، پزشکی، باروری و جنسی دارند که بیشتر مردم عادی را دربر می‌گیرد و به زعم او کمتر از دو کنش نخست متفق‌الشکل است و اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد (ستاری، ۱۳۹۲).

Mehr .۴

Mitre .۵

Mithra .۶

Indo-Iranian .۷

Mitr .۸

Mitra .۹

۱۰. نک به: مصاحب، ۱۳۵۶: دایره المعارف: ذیل کلمه "مهر"

۱۱. نک به: دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل کلمه "مهر"

۱۲. نک به: معین، ۱۳۵۳: ذیل کلمه "مهر"

Hur .۱۳

۱۴. در ایران زمین هیچ معبد مهری که به مهرابه‌های رومی شبیه باشد یافت نشده است. در ایران پیوند مهر و مکان بسیار پیچیده‌تر از روم است؛ در سرزمین زادگاه مهر، این دین از سویی با زردشتی‌گری گره خورده و به این دلیل ماهیتی یک‌سره اخلاقی به دست آورده است و از سوی دیگر در زمینه‌های پیچیده‌تر دینی به مکان‌هایی با کارکرد تخصصی یافته پیوند خورده است. در واقع آن آمیزه موفق و فراگیری که در دوران اردشیر دوم هخامنشی از هم‌افزایی آیین مهر و دین زردشتی پدید آمد، بعدتر چهار مکان آیینی متمایز را به وجود آورد، یکی هیربدستان بود که به ویژه در دوران ساسانی رواج اهمیت یافت و دبستان‌هایی برای آموزش عمومی دانش و دین محسوب می‌شد و در دوران اسلامی جای خود را به مکتب و مدرسه داد (تفضلی، آموزگار، ۱۳۷۶: ۱۲۵). دومی آتشکده بود که کارکردی آیینی داشت و مراسم و مناسک دینی در آن انجام می‌گرفت و این همان بود که در عصر اسلامی به مسجد تبدیل شد. سومی محفل جرگه‌های جنگاوران و مراکز آموزش هنرهای رزمی بود (زورخانه‌ها) که به خاطر ماهیت کارکردش بیشتر با مهرپرستی کهن درآمیخته بود؛ (بهار، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۶) این مراکز در گذار از دوران پیشا اسلامی به عصر اسلامی، نسبت به هیربدستان و آتشکده کمتر دستخوش تغییر شدند و همچنان خصلت مردمی و دور از دسترس قدرت سیاسی را حفظ کرد؛ اما همزمان با افول قدرت نظامی ایران و تباهی آیین‌های جنگاوران ایرانی، با ترک و عرب شدن این طبقه رسوم آیینی‌اش منسوخ و فرو کاسته شد. چهارمی خورآباد یا خرابات بود که اشکارا ماهیتی ضد اسلامی داشت و مرکز تجمع عباران و جوانمردان و صوفیان بود، یعنی آن طبقه از مردم که شاید اسلام آورده بودند اما زیر بار تابوهای آن مانند منع باده نوشی نمی‌رفتند و همچنان با تأکید بر ارزش‌های دوران پیشااسلامی مانند جوانمردی و عهدشناسی و دادگری- همچنان به صورت مراکز برگزاری بزم معانه عمل می‌کردند. در دوران پیش از اسلام احتمالاً این شاخه شاخه شدن مکان‌های وابسته به کارکردهای آموزشی، رزمی، آیینی چنین شدید و روشن نبوده است، احتمالاً در آن دوران خود هیربدستان‌ها، آتشکده‌ها و مراکز سپاهیان کارکردهای یاد شده را برآورده می‌کرده‌اند؛ زین رو یافتن مهرابه‌هایی به مانند مهرابه‌های رومی در ایران ممکن نیست، زیرا این بدان معنی است که آمیختگی دین زردشتی و آیین مهر در ایران را نادیده گرفتن و دور از نظر داشتن این نکته که تمام کارکردهای جاری در مهرابه‌های رومی، به شکل گسترده‌تر و پیچیده‌تر در ایران زمین مراکز خاص خود را داشته و این همان مکان‌های وابسته به آیین زردشتی بوده است؛ با این نگاه غیاب معابد مهری به سبک رومی در ایران کاملاً معقول و بدیهی است؛ زیرا آیین مهر در ایران به صورت فرقه‌ای برای پرستش یک خدا در زمینه‌ای چند خدایی وجود نداشت بلکه بخشی و گرایشی در دین بزرگ و پیچیده زردشتی به حساب می‌آمد.

۱۵. برسم یا برسمن عبارت از شاخه‌های بریده درختی که هر یک از آنها را در زبان پهلوی تاک و به پارسی تای گویند. از اوستا برمی‌آید که برسم باید از جنس رستنی‌ها باشد، مانند انار و گز (درخت) و هوم. شاخه‌ها معمولاً با کاردی به نام برسم‌چین بریده می‌شود. در فرهنگ‌های پارسی آمده «برسم شاخه‌های باریک بی‌گره باشد به مقدار یک وجب که آن را از درخت هوم ببرند، و آن درختی است شبیه به گز (درخت) و اگر هوم نباشد، درخت گز والا درخت انار که با نیایش، باز و زمزمه و به وسیله برسم‌چین



تصویر ۷. بنای معروف به آتشکده نوشیجان (در ۶۰ کیلومتری همدان و ۲۰ کیلومتری ملایر). مأخذ: blog.safarme.com/

نتیجه‌گیری

ادیان همواره از هم تأثیر پذیرفته و در تداوم یک‌دیگر بوده‌اند، باورهای ارامنه در دوران باستان بسیار ملهم از تفکر شاهنشاهی ایران بوده است. با مقایسه ایزد مهر در ایران و ارمنستان می‌توان نتیجه گرفت که بخش اعظمی از تاریخ استوره‌ای ارمنستان و باورهای بومی آن مردمان پیش از گرویدن به کیش عیسوی شدیداً تحت تأثیر فرهنگ اساتیری ایران بوده است و این اثرگذاری تا اندازه‌ای سترگ بوده که حتی بعد از گرویدن ایشان به مسیحیت همچنان ما شاهد دگردیسی باورهای باستانی ایشان در دین جدید هستیم.

پی‌نوشت

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده است که به راهنمایی دکتر شهره جوادی و مشاوره دکتر ناصر براتی در پژوهشکده نظر به انجام رسیده است.

۱. Gregory the Illuminator

۲. Georges Dumezil

۳. به عبارتی او به تاریخ و دین روم باستان که فاقد چهره‌ای مشخص می‌کرد، محتوایی اسطوره‌ای داد و برای این کار، سنت هند باستان یاریگر تفسیر و تحلیل او شد. مثلاً به زعم او گزارش‌های شاهان نخستین روم و جنگ‌های آن‌ها به تنهایی چیزی را نشان نمی‌دهند. این اسناد گزارش‌هایی از تغییر و تحول اساتیر و جهان‌بینی هند و اروپاییان و دیگر اقوام ایتالیایی باستان هستند که بسیار پیش از رومیان سایر بودند و کم‌کم به شکل تاریخ آرایه شدند. نظریه «ایزدان سه کنش» که هسته اصلی تحقیقات اوست، با کشف کتیبه میتانی (در سال ۱۹۰۷) متعلق به ۱۴۰۰ پیش از میلاد، بیش از پیش به تقویت نظر او انجامید. در این کتیبه از چهار ایزد نام برده می‌شود که کاملاً مطابق با فرهنگ هند باستان است. این چهار ایزد در نظریه‌ی ایزدان سه کنش، در کنش

و زیبایی‌شناسانه است. مردم قهرمان سمبولیک خود داویت را با ویژگی‌های عالی و برجسته فوق انسانی پرورده‌اند. میهن‌پرستی سوزان و لغزش‌ناپذیر، انسان‌دوستی، مهرورزی و دل‌بستگی به زحمت‌کشان و ستم‌دیدگان از هر ملیت و نژاد، خوش‌بینی و امید به پیروزی نیکی و زیبایی و عدالت بر پلیدی و زشتی و ستم، از ویژگی‌های ذاتی این قهرمان ملی افسانه‌ای است. حماسه ملی ساسونتسی داویت که از چهار بخش (ساناسار و باغ‌داسار، مهر بزرگ، داویت، مهر کوچک)، تشکیل یافته به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده و در میان ملت‌های جهان اثری شناخته شده است. از آنجایی که در حماسه ملی افسانه‌ای یاد شده جز «داویت» و «مهر» قهرمانان دیگری نیز وجود دارند، آن را «دلیران ساسون» و «شجاعان ساسنا» نیز می‌نامند.

۴۰. Agravakar

۴۱. Mheri Dur

۴۲. Sason / شهری است که امروزه در کشور ترکیه و در استان باتمان واقع شده است.

۴۳. تلفظ : arryuts

۴۴. Mehekan

۴۵. Mehian

۴۶. Van

۴۷. Février

۴۸. tearan andaraj

۴۹. Bagayarych در شمال شاخه غربی فرات از توابع درجان ایالت هایک

۵۰. Bagayavsh

۵۱. Bagh

۵۲. Siz

۵۳. Mhyan

فهرست منابع

- آموزگار، ژاله. (۱۳۷۴). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۱). *دانشنامه مزدیسنا، واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت*. تهران: نشر مرکز
- بوس، مری. (۱۳۷۵). *تاریخ کیش زردشت*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. جلد اول. تهران: انتشارات توس.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: نشر حقیقت.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۲۱). *آثارالباقیه*. ترجمه: اکبر دانا سرشت. تهران: نشر کتابخانه خیام.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). *جستاری چند در فرهنگ ایران*. تهران: انتشارات فکر روز.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۱). *پژوهشی در اساطیر ایران*. جلد چهارم. تهران: انتشارات آگاه.
- بهار، مهرداد. (۱۳۹۰). *آیین مهر و ورزش باستانی ایران*. مجله حافظ، ۸۸: ۱۲-۱۶.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۷۷). *یشت‌ها*. جلد اول و دوم. تهران: انتشارات اساطیر.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۵۶). *یشت‌ها*. جلد دوم. انتشارات: دانشگاه تهران.
- تفضلی، آموزگار و احمد، ژاله. (۱۳۷۶). *تاریخ و ادبیات ایران* - پیش از

می‌برند». گاهی در مراسم برسم‌های فلزی از برنج و نقره به جای گیاه به کار می‌برند. هر یک از تائ‌های فلزی به بلندی نه بند انگشت و به قطر یک هشتم بند انگشت است. در اوستا شماره برسم‌ها از ۳ تا ۳۵ ذکر شده است. دور برسم‌ها را با بندی که از برگ الیاف خرما بافته‌اند، می‌بندند، نظیر کشتی و کمر بند زردشتیان، این بند نیز کشتی نامیده می‌شود (اوشیدری، ۱۳۷۱: ذیل برسم).

۱۶. نیلوفر آبی یا لوتوس، صدف و دلفین که در ارتباط با آب هستند از نمادهای آن‌هایتا ایزد بانوی آب‌های پاک، نشانه عفت و پاکدامنی، برکت و باروری نیز بوده‌اند. نیایش مهر و آن‌هایتا و پرستشگاه‌های آنان در ایران چنان به هم آمیخته که قابل تشخیص و تفکیک نیست، تاووم و دگردیسی این باور آیین‌های مرتبط با آن تا کنون برجاست و به شکل‌های مختلف در فرهنگ زردشتی و اسلامی دگردیسی کرده است. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به: (جوادی، ۱۳۹۲: ۴۳-۵۰) و (جوادی، ۱۳۸۷: ۲۳-۳۰) و (جوادی، ۱۳۸۶: ۱۲-۲۲).

۱۷. مصاحبه با دکتر شهره جوادی، ۱۳۹۶. پژوهشکده نظر (www.nazar.ac.ir).

۱۸. نک. به محمد حسین خلف تبریزی متخلص به برهان، ۱۳۸۴: ذیل کلمه

"یلد Varuna"

۱۹ و ۲۰. Mitra Varuna

۲۱. اشی (Ashi) در اوستا اشی ونگوهی از جمله ایزدان دین زردشتی است. در اوستا گاهی اسم مجرد و به معنی توانگری و بخشایش و برکت و نعمت و مزد و پاداش و بهره است و گاهی اسم خاص ایزدی است که نگهبانی ثروت و دارایی به عهده اوست. ارت مثل سفندارمذ و ناهید و چیستا (فرشته علم) مؤنث تصور شده است. ایزدی است که در جهان مادی ثروت و نعمت و جلال و خوشی دینداران از پرتو اوست. در جهان معنوی و در روز واپسین پاداش اعمال نیک و سزای کردار زشت به دستبازی او بخشیده خواهد شد. در گات‌ها از او اسم برده شده است. گذشته از امشاسپندان (وهومن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ، خرداد، امرداد) و آذر و سروش و ارت دیگر به اسامی هیچ‌یک از فرشتگان و ایزدان مزدیسنا در گات‌ها بر نمی‌خوریم (پورداوود، ۱۳۵۶: ۱۷۹).

۲۲. vrtra-g'han (مانع‌شکن)

۲۳. Haoma

۲۴. Angre Mino

۲۵. Sraosa

۲۶. Rasnu

۲۷. ارواح

۲۸. زوت . (ا) در اوستا «زوتر» یا «زاورت» اسمی است که به پیشوایان بزرگ مزدیسنا می‌دهند. خود زردشت نیز زوتر خوانده می‌شود.

۲۹. به معنی کلام مقدس، دعا. دعا و وردی که شخص را قادر به تصرف در اشیا و اشخاص می‌سازد. افسون.

۳۰. Mihr

۳۱. Aramazd

۳۲. Hellenistic

۳۳. Hepestos

۳۴. Temple of Garni

۳۵. Helios

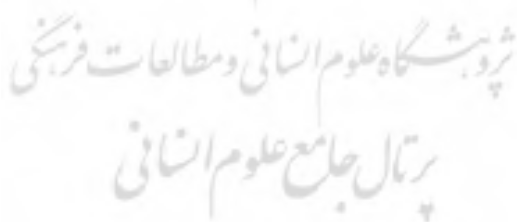
۳۶. Satrap

۳۷. اسب نسایی (Nisaion) یک نژاد اسب منقرض شده است که بومی شهر نسیایا (Nisaia) بود که در دست‌های نسایی (در قسمت جنوبی از دامنه کوه‌های زاگرس و یا سایر مناطقی که در ادامه اشاره می‌شود) واقع شده بود. این اسب خواهان زیادی در دنیای باستان داشت. گفته شده است که اسب نسایی در رنگ‌های متفاوتی وجود داشته شامل رنگ‌های معمول مانند کهر تیره و قهوه‌ای سوخته و همچنین رنگ‌های نادر مانند مشکی خالص، قرمز و آبی قرمز، طلایی و خال خالی. گفته شده است که اسب نسایی باستانی در مقایسه با اسب‌های خالص بعدی که بعدها در تمدن ایران به وجود آمد و سری قلمی داشتند، سری ستبر و نیرومند داشتند که مشخصه اسب‌های جنگی بودند. این مطلب این فرضیه را القا می‌کند که شاید اسب‌های نسایی از نسل نمونه اولیه اسب جنگل باشند.

۳۸. Hayk

۳۹. David of Sassoun: ساسونتسی داویت یا داوید ساسونی (به زبان انگلیسی - Da-vid of Sassoun) یا ساسنا تسرر (به زبان انگلیسی Daredevils of Sasun)، یکی از پهلوانان میهنی ارمنستان است که در زمان یورش اعراب ایستادگی زیادی از خود نشان داد. از این حماسه به نام‌های مختلفی یاد کرده‌اند؛ از آنجایی که مکان اصلی داستان استان ساسون، ارمنستان غربی بوده حماسه به نام ساسنا دزرر یا ساسنا تسرر (sasna dzrer) نیز مشهور شده است. (ساسنا) به معنی اهل ساسون و (دزرر - تسرر) به معنی شخص بسیار دلیر و مجنون است. ساسونتسی داویت دارای ارزش‌های والای آرمانی

- کومن، فرانس. (۱۳۸۳). *آیین پر رمز و راز میتراپی*. ترجمه: هاشم رضی. تهران: انتشارات بهجت.
- خلف تبریزی، محمدحسین متخلص به برهان. (۱۳۸۴) *برهان قاطع*. تهران: انتشارات باران اندیشه.
- مصاحب، غلامحسین. (۱۳۵۶) *دایره المعارف*. تهران: چاپ و نشر دایره المعارف فارسی.
- معین، محمد. (۱۳۵۳). *فرهنگ معین*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نوری‌زاده، احمد. (۱۳۷۶). *تاریخ و فرهنگ ارمنستان از آغاز تا امروز*. تهران: نشر چشمه.
- نوری‌زاده، احمد. (۱۳۸۴). *صد سال شعر ارمنی*. تهران: نشر چشمه.
- وارنر، رگس. (۱۳۸۹). *دانشنامه اساطیر جهان*. ترجمه: ابولقاسم اسماعیلی‌پور. تهران: نشر اسطوره.
- ویدن گرن، گئو. (۱۳۷۷). *دین‌های ایرانی*. ترجمه: دکتر منوچهر فرهنگ. تهران: نشر آگاهان آینده.
- هارتونیان، سارکیس. (۲۰۰۱). *باورها، دین، پرستش اسطوره‌های ارمنیان کهن*. ایروان: نشر موقنی.
- هینلز، جان. (۱۳۷۵). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه: ژاله آموزگار و احمد تفضیلی. جلد ششم. تهران: انتشارات چشمه.
- Agathangelos, R.W.Th. (1976). *History of the Armenians*. New York: state university of New York press.
- Beck, R.L. (1996) *The Mysteries of Mithras*, in J.S Kloppenborg and S.G. Wilson (eds), *Voluntary Associations in the Ancient World*. London.
- Gershevich, I. (1959). *Anahid*. Vol 1. Encyclopaedia. London and Boston: Iranica.
- اسلام. تهران: انتشارات سخن.
- جنیدی، فریدون. (۱۳۶۲). *مهر ایرانی*. تهران: نشر بلخ.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۶). *اماکن مقدس در ارتباط با کوه، چشمه و درخت. مجله باغ نظر*، (۸) ۲۲-۱۲.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۷). *درخت‌های آیینی. مجله منظر*، ۱: ۳۰-۲۲.
- جوادی، شهره. (۱۳۹۲). *بازخوانی روایات باستانی (آب و درخت) در دوران اسلامی. مجله هنر و تمدن شرق*، (۱) ۴۳-۵۰.
- خورناتسی، موسی. (۱۹۸۲). *تاریخ ارمنستان*. ترجمه: گئورگی نعلبندیان. ایروان.
- دوشن گیمن، ژاک. (۱۳۸۱). *دین ایران باستان*. ترجمه: رویا منجم. جلد اول. تهران: انتشارات علم.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رستم پور، سالومه. (۱۳۸۲). *مهرپرستی در ایران، هند و روم*. تهران: انتشارات خورشیدافروز.
- رضایی، مهدی. (۱۳۸۳). *آفرینش و مرگ در اساطیر*. تهران: نشر اساطیر.
- رضی، هاشم. (۱۳۷۱). *گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان*. تهران: انتشارات بهجت.
- رضی، هاشم. (۱۳۸۱). *آیین مهر (تاریخ آیین راز آمیز میتراپی)*. تهران: انتشارات بهجت.
- ستاری، جلال. (۱۳۹۲). *اسطوره و حماسه در اندیشه ژرژ دومزیل*. تهران: نشر مرکز.
- کریستین سن، آرتور. (۱۳۸۷). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه: رشید یاسمینی. تهران: نشر نگاه.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

نیکویی، علی. (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی اساطیر ایران و ارمنستان با تکیه بر ایزد مهر. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۶(۱۹): ۳۷-۳۰.
DOI: 10.22034/JACO.2018.63583
URL: http://www.jaco-sj.com/article_63583.html

